

سلسلہ جلسات زمان شناسی، بستر شناسی، وظیفہ شناسی

استاذ احمد رضا اخوت

تابستان ۱۴۰۳

فهرست

- زمان‌شناسی، بسترشناسی، وظیفه‌شناسی؛ جلسه اول، ۱۶ تیر ۱۴۰۳ ۲
- مقدمه ۲
- جمع و جامعه ۳
- قوم و امت ۶
- آنچه باید در مورد امت دانست ۸

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ وَ عَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفَنَانِكَ

زمان شناسی، بسترشناسی، وظیفه شناسی؛ جلسه اول، ۱۶ تیر ۱۴۰۳

دقیقه ۰ تا ۱۰

مقدمه

به ذهنم رسید که در این جلسات که به صورت دهه یا چند شب گرفته می شود یکی از این کتاب هایی که به صورت موضوعی به قرآن پرداخته شده است طرح شود. کتاب هایی که جدیداً چاپ شده است که در این کتاب ها یک یا دو سوره با موضوع خاصی بیان شده است که مجموعاً نه جلد آن بیرون آمده است. یک یا دو سوره است که خوانده می شود، اما در آن به یک موضوع خاص توجه می شود. مثلاً سوره مبارکه مائده شیوه های ارتقای ظرفیت دینداری بررسی می شود. سؤالات اصلی به سوره عرضه می شود و سعی می شود سوره از این منظر بررسی شود. البته از قبل سوره مطالعه شده است و بعد دیدیم که این موضوع در آن خیلی مهم است و براساس خود موضوعات سوره انتخاب شده است. مثلاً دیدیم در سوره مبارکه مائده بحث ارتباط ظرفیت دینداری در جامعه خیلی مهم است و آیات آن به این سمت می رود. در حقیقت خود الهام موضوع سوره، از خود سوره ها بوده است؛ از ما نبوده است. یا مثلاً عارضه جمعی که چه می شود در یک جمع هایی یک سری عارضه هایی ایجاد شود. چگونه می شود با آن مواجه شد. چگونه می توان ناسازگاری های اجتماعی را کنترل کرد.

این موارد و مباحثی از این قبیل در کتاب ها هست. به نظرم رسید یکی از این کتاب ها را به بحث بگذاریم. در نهایت این باشد که یک دهه محرم یا محرم یا محرم و صفر انسان یک سوره خوانده است و هر کس دوست داشت تفسیر المیزان آن را بخواند، واژه های آن را کار کند. به هر حال عایدی ما تدبر در یک سوره می شود. به نظر می رسد روش خوبی باشد. ما در سال های قبل هم همین کار را کردیم. مباحث ایمان و قلب را بررسی کردیم و مباحث خیلی خوبی بود به نظر وقتی مباحث را به صورت منسجم پیش برویم منافع خیلی خوبی دارد. چند موضوع را من مطرح می کنم و یکی را انتخاب می کنیم.

جمع و جامعه

ما وقتی جامعه تشکیل می‌دهیم و جمع تشکیل می‌دهیم و بعد تبدیل می‌شویم به جامعه، خیلی تفاوت پیدا می‌کنیم نسبت به موقعی که فرد هستیم. وقتی فرد هستیم یک سری احکام خاص خود را داریم و غم و غصه‌های خود را داریم. هر چند انسان هیچ وقت نمی‌تواند به طور مطلق فرد باشد. به هر حال هر کسی در تنهاترین تنهائی خودش هم شئون اجتماعی دارد. حتی اگر در غار باشد یک شناسنامه‌ای دارد. اگر در آن غار زندگی کند و از دنیا برود معلوم می‌شود ازدواج کرده یا نکرده است، پسر چه کسی است. همه اینها شئون اجتماعی است و انسان نمی‌تواند بدون شئون اجتماعی زندگی کند. منظور از ساحت جمعی، داشتن شئون اجتماعی نیست؛ بلکه این چیزی است که ما به عنوان جمع استنباط می‌کنیم. الان خیلی از دوستانی که اینجا نشسته‌اند حالشان متأثر از وضعیت انتخابات است. ممکن است مستأجر باشند، مریض باشند، مشکلات داشته باشند. ولی احساس می‌کنند که این چیزی که مربوط به جمع است یک چیز دیگری است و غیر از این فرد است و در این مواقع خاص انسان خیلی خوب می‌تواند هویت جمعی را بفهمد. وقتی در خیابان می‌روید می‌بینید بعضی شادی می‌کنند، هلهله می‌کنند، فریاد و جیغ می‌زنند، بعضی ناراحت هستند، این غیر از حیثیت فردی است. این حیثیت کاملاً جمعی است و منظور ما در مباحث این حیثیت جمعی است؛ کاری به فرد نداریم. چه توفیق شگفت‌انگیز است که خدا به ما داده است که در اثر این تحولات و تطورات بتوانیم مفهوم جمع را بفهمیم. ممکن است شما روحان خیلی آزرده باشد یا خیلی خوشحال باشید این حرف من را خیلی متوجه نباشید، ولی اینکه ما در بستری قرار می‌گیریم که جمع بودن را می‌فهمیم، شادی را می‌فهمیم، همدردی و همدلی را می‌فهمیم، شادی با هم را می‌فهمیم، غم با هم را می‌فهمیم. این عنایت ویژه‌ای است که خداوند به انسان کرده است و به برکت جامعه اسلامی است که به ما رسیده است و ما باید قدر آن را بدانیم. درست است که بعضی‌ها خیلی غصه می‌خورند و ناراحت هستند. اینکه در یک زمان مشخص محدودی واکنش‌های مشابهی درست یا غلط از انسان‌ها سر می‌زند خودش خیلی جالب است.

دقیقه ۱۰ تا ۲۰

البته این برای ما تازگی ندارد، چون مثلاً دهه‌های محرم را دیده‌ایم که یک مرتبه پارچه‌های سیاه علم می‌شود، این هم جزء همین موضوع است. ولی چون با آن موضوع خیلی حس داشتیم، لمس کردیم و یک حس معنوی دارد و در سرنوشت فردی ما اثر دارد، ولی در جمع ما خیلی اثر ندارد، تبدیل به یک جریان فکری کردیم و آن را در آرشو قرار دادیم. در زمان انقلاب مانند همین ماجرا با محرم و صفر بوده است. یعنی محرم و صفر نماد این هویت جمعی بوده است. در محرم و صفر روحیه‌های انقلابی فعال می‌شد و این همان حرفی است که حضرت امام می‌زدند که محرم و صفر است که اسلام را زنده نگه داشته است.

بر اساس همین موضوع است که روحیه جمعی انسان حفظ می‌شود و یک چیزی داریم به نام جمع و جامعه که در اینجا مثل فرد عوارض پیدا می‌کند، کنش‌ها و واکنش‌هایی پیدا می‌کند، ساختار وجودی پیدا می‌کند، خودش بستر وقوع رفتارها را پیدا می‌کند و خیلی چیزهای دیگر در آن معنا می‌شود که خیلی از اینها انتزاعی است که انسان باید فکر کند. حتی این بحث را نمی‌شود در سنین زیر هجده سال مطرح کرد نه به خاطر اینکه مشکل‌دار است، بلکه انتزاع آن است. باید حتماً برای کسی باشد که پختگی فکری داشته باشد. در درون خود ثقلتی دارد، البته اتفاقات روزگار منجر می‌شود یک باره خیلی جلو بیاید و ما از این وضعیت داریم حسن استفاده را می‌کنیم و می‌گوییم سالیان سال باید منتظر شویم چنین حادثه‌ای رخ دهد که شما چنین چیزی را بفهمید که اگر یک نفر در یک جایی اشتباهی کرد یک باره این اشتباه دامن‌گیر همه می‌شود؛ به همین راحتی. تا قبل از این می‌گفتیم مگر می‌شود یک اشتباهی کند و یک ملت یا یک جهان پاسوز او شود؟ با عدالت خدا جور نیست. اما الان به وضوح می‌بینیم اشتباهات انسان‌ها حتی تک انسان‌ها چگونه با سرنوشت جهان بازی می‌کند. بعد یک مرتبه مثبت می‌شود یا منفی می‌شود. بعد هم یک تقدیرهایی دارد که با سرنوشت‌های فردی خیلی متفاوت است. ممکن است کشورهایی را به جنگ وادار کند، انسان‌هایی را به کشتن بدهد، ممکن است کشورها را به صلح وادار کند و خیلی اتفاقات خوبی بیفتد. اصلاً داستان تجزیه و تحلیل آن با آنچه که مربوط به فرد خیلی متفاوت است. آسیب‌هایی که ممکن است بزند، منافی که ممکن است داشته باشد، سطح آن خیلی وسیع است. مثلاً اگر فردی اشتباه کند ممکن است صدها نفر را به کشتن بدهد. ما در فرد می‌گفتیم که چقدر این فرد بدی است، چون یک نفر را به کشتن داده است یا یک نفر را کشته است. ولی در این یک مرتبه می‌بینیم داستان خیلی متفاوت می‌شود.



اینها را دارم عرض می‌کنم به دلیل اهمیت بحث، و زمانی که شما وارد قرآن می‌شوید، اگر با نگاه تدبری نگاه کنید می‌بینید اساساً آیات قرآن در این بخش نازل شده است، نه اینجا؛ همه آن. اگر فردی نتواند نظام فکری خود را روی این بخش از آیات منسجم کند، به صورت فردگرایانه یک‌سری از چیزها را متوجه می‌شود که ممکن است خیلی هم برای او نفع دارد، اما آن قدرها نفع آن خیلی پدیده نیست. اگر من سعی می‌کنم هر

جلسه صحبت‌هایم را جمع کنم که اگر فردی خواست به مجلس دیگری تشریف ببرد بحث تمام شده باشد، اگر بحث دیگری بود از نو شروع می‌کنیم که دوستان بتوانند به برنامه‌های خود برسند.

▪ پس نکته اول اینکه روی آن خوب تمرکز کنید، اینکه ما داریم راجع به یک ساحتی از انسان صحبت می‌کنیم که این ساحت دیگر فردی نیست، ساحت آن اجتماعی است. نه، ساحت آن اجتماعی است، تمام ساختارهایی که شکل می‌گیرد در جمع شکل می‌گیرد و تبدیل به جامعه می‌شود و این جامعه که در آن می‌تواند قطب‌های مختلفی وجود داشته باشد، تک قطبی باشد، سه قطبی باشد، یا چند قطبی باشد آن جامعه می‌تواند جمع‌های مختلفی را داشته باشند. آن جمع‌ها واگرا باشند، یا همگرا باشند، آن، آستن حوادثی شود. خود آن جامعه با همه قطبیت‌هایی که در آن هست یک ساحتی داشته باشد و تک‌تک جمع‌هایی که در آن هستند یک ساحت مجزا داشته باشند. یعنی هم در آن جمع‌ها ساحت‌های آن مجزا باشند، هم کل جامعه. اگر بگوییم باز خورد انتخابات ایران در کل دنیا چیست؟ کل دنیا کاری به قطب‌بندی‌های ما ندارند، به آن نتیجه انتخابات نگاه می‌کنند. آنها که نیستند که خیلی ببینند چه به چه است و چه کسی به چه کسی است. به کلیت آن نگاه می‌کنند، سپس روی کلیت آن محاسبه می‌کنند. روی کلیت آن را برنامه‌ریزی می‌کنند و با کلیت آن جلو می‌روند. آن حیثیت جامعه‌ای می‌شود. خیلی لازم است انسان اینها را خوب بداند. زیرا اگر نداند خیلی از آیات را متوجه نمی‌شود. مثلاً شما زمانی که می‌شنوید **وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا^۱**، در کدام ساحت می‌گوید **وَلَا تَفَرَّقُوا**؟ در ساحت جمع می‌گوید یا در ساحت جامعه می‌گوید؟ اگر در ساحت جامعه گفت، یعنی شما حق ندارید کاری کنید که نمودی از تفرقه برای اجانب در ذهن آنها شکل بگیرد و اگر شما کاری کردید که نمودی از تفرقه در جمع‌های خودتان ظاهر شود شما به این آیه شریفه عمل نکردید. یعنی روی آن ساحت جامعه می‌آید. بعضی از آیات ممکن است روی ساحت جمعی بیاید. مثلاً مثال آن را می‌گویم که می‌خواهم یک مقداری هم مهارتی بگویم. زمانی که می‌گوید: **أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ^۲**، **أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ** در ساحت جمع می‌گوید یا در ساحت جامعه می‌گوید؟ اگر بگویید در ساحت جمع می‌گوید، یعنی مثلاً ما مدرسه قرآن

می‌آییم باید **رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ** باشیم.

دقیقه ۲۰ تا ۳۰

ما هم حزبی‌ها باید همه **رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ** باشیم. اما اگر در ساحت جامعه می‌گوید، یعنی اینکه من با حزب مقابل و رقیبم باید **رُحَمَاءُ** باشم. کدام آنها را می‌گوید؟ فرق می‌کند این را بگوید یا آن را بگوید. شما اگر **رُحَمَاءُ** را در جامعه گرفتید، شما حق ندارید نسبت نفاق به رقیب خود بدهید و او هم

^۱ سوره مبارکه آل عمران، آیه ۱۰۳

^۲ سوره مبارکه فتح، آیه ۲۹

نسبت نفاق را به شما بدهد. شما اصلاً نمی‌توانید این کار را انجام دهید. خیلی از کارها را نمی‌توانید انجام بدهید. زیرا رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ است، أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ که نیست. شما نمی‌توانید نسبت کفر به او بدهید، اگر نسبت کفر به او بدهید، شما دارید نسبت کفر به نظام خود می‌دهید. زیرا آن نظام براساس یک مشروعیتی یک فردی را قبول کرده است. پس بنابراین آن مشروعیت را دارید زیر سؤال می‌برید؛ خود دانید. البته ممکن است یک نفر بگوید: خیر، این حرف شما اشتباه است، رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ مربوط به جمع است و مربوط به جامعه نیست. ممکن است در جامعه قطبیت‌های مختلفی باشد شما حق ندارید با قطبیت‌های مختلف رحیمانه برخورد کنید، اگر یک جمعی بود که کفر این جمع احراز شد، می‌توانید با آن به شدت برخورد کنید. می‌گوییم: درست است، باید کفر آن احراز شود، اینها بحث‌های جزئی می‌شود که باید راجع به آن صحبت کنیم.

من می‌خواهم راجع به اهمیت این موضوع بگویم نکته اول هم نمی‌خواهم قضاوتی راجع به بحث کنم. می‌خواهم بگویم این بحث آن قدر مهم است و در رفتارهای ما خیلی تأثیر می‌گذارد. در ذهنیت‌های ما خیلی تأثیر می‌گذارد. اگر یک نفر احساس کند که عدو ما، اکنون رئیس جمهور شده است تا فردی مانند ما رئیس جمهور شده است خیلی فرق می‌کند، تفاوت آن از زمین تا آسمان است. از نظر احکام شرعی آن فرق می‌کند، از نظر آیات قرآنی آن فرق می‌کند. یعنی شما سوره محمد و فتح را می‌خوانید برای این آیه أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ شما زمانی که آن سوره را می‌خوانید نوع برخوردتان با آن خیلی متفاوت باید باشد. ما این موضوع را بدون رجوع به قرآن داریم اجرا می‌کنیم. براساس یک استنباط درونی، عدو می‌گیریم یا رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ می‌گیریم. داریم طبق یک ساختاری خودمان عمل می‌کنیم بدون اینکه مبنا داشته باشد.

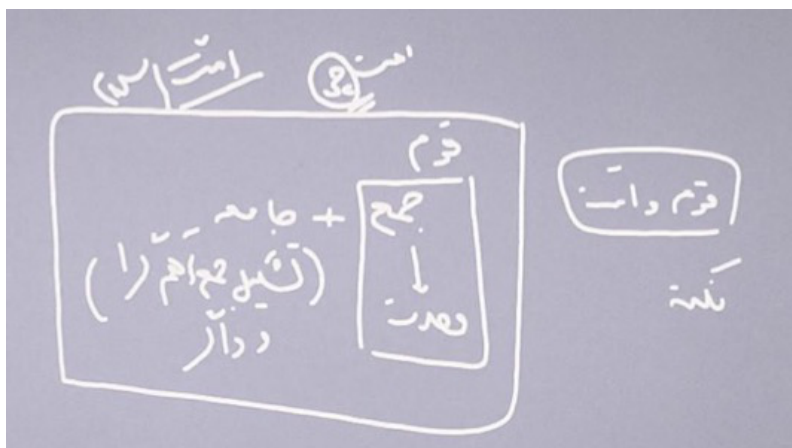
پس نکته اول ما این شد که انسان یک ساحت فردی دارد و یک ساحت جمع دارد که به جامعه کشیده می‌شود. سوره‌های قرآن در این فضا نازل شده است، دلیل آن هم این است که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، فرستاده خدا برای فرد نیست؛ برای جمع و جامعه است. یعنی رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نیامده است بگوید که حسن آقا، حسین آقا؛ گفته است: جامعه مکه، قریش، جامعه جهانی. برای فرد رسول نیامده است؛ برای جمع آمده است.

این موضوعی که دارم می‌گویم در محافل اندیشمندان خیلی کم به آن پرداخته شده است، شاید یکی از علت‌های آن این بوده است که خیلی از مباحث آن بدیهی بوده است، همه می‌دانند. شاید هم یک علت آن این باشد که از این موضوع یک غفلت عمومی صورت گرفته است. اما به هر حال این نکته اول است.

قوم و امت

- نکته دوم؛ قبول ما جمع و جامعه داریم. جمع به غیر از جامعه است، زیرا جامعه تشکیل شده است از جمع‌های هم‌گرا و واگرا، یعنی الزاماً

زمانی که جامعه می‌گوییم همه جمع‌های آن یک شکل نیستند و بعضی از آنها ضد هم هستند و عقایدی ضد هم دارند. اما زمانی که جمع می‌گوییم یک وحدتی بین آنها است. در قرآن واژه جمع را با قوم مطرح می‌کند. البته یکی از واژه‌های آن است. لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ، لِقَوْمٍ يَتَّقُونَ، قَوْمٍ فَاسِقِينَ، قَوْمِ ظَالِمِينَ. اسم قوم را می‌گذارد. زمانی که قوم می‌گوید یعنی یک یک پارچگی در آن است و اینها برای شلیک برای یک جریان خاص آماده هستند. مثلاً زمانی که می‌گوید قوم ظالم، اینها همه برای ظلم یک دست هستند، یکی سنگ می‌زند، یکی اسب می‌آورد، یکی پول آن را جور می‌کند، همه در یک مسیر هستند و همکاری می‌کنند و هم‌افزایی می‌کنند. قوم یعنی همکار و هم‌افزا برای انجام یک کاری. پس در قرآن واژه قوم، مربوط به جمع است. زمانی که این تبدیل به جامعه می‌شود اسم آن را اُمّت می‌گذارند. در اُمّت یک فضای وسیع‌تری است که در اُمّت ممکن است قوم ظالم هم باشد، قوم یَتَفَكَّرُونَ هم باشد، یعنی ممکن است در اُمّت، هر چند سطوح مختلفی را پیدا کند و معمولاً در قرآن سطح دارد. مثلاً خداوند در سوره انبیاء به همه انبیاء خود از اول تا آخر و همه رهروان انبیاء خود اُمّت می‌گوید. جریان این گونه را می‌تواند انتخاب کند و به آن اُمّت بگوید. اما زمانی که لفظ جامعه به کار می‌بریم در آن اُمّت است. به همین دلیل در زمان رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، غدیر خم هم که اتفاق افتاد با اینکه افراد کاملاً متفاوت و جنس‌های آنها مختلف بود، حتی در همان زمان رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم که به نوعی سقیفه تشکیل شد، اسم همه اینها اُمّت است. یعنی اینها به نام اُمّت خوانده می‌شوند که بعد می‌گویند اُمّت اسلام یا اُمّت کفر. اُمّت کفر یا مثلاً اُمّت شرک. اُمّت اسلام ممکن است منافقان هم در آن باشند. در آن ممکن است خیلی از افراد دیگری هم باشند که به هر حال اُمّت هستند. بله، ممکن است اُمّت خالص باشد. ممکن است اُمّت ناخالص باشد. بعضی‌ها ممکن است بگویند که ناخالص بودن اُمّت با کلمه اُمّت نمی‌سازد. اُمّت از ام است، ام به معنای مادر که می‌گوییم، به معنای قصد است. چیزی که افراد را هم قصد می‌کند که البته در سرودهایی که دیروز پخش می‌کرد حرف از اُمّت زیاد بود. سرودها دارند = اُمّت را می‌گویند. البته ممکن است شما مثلاً بیایید فضا را یک مقدار وسیع‌تر کنید و بگویید جبهه مقاومت...، کشورهای جبهه مقاومت را یک اُمّت حساب کنید. مرزهای اُمّت بستگی دارد به آن چیزی که قصد می‌شود. یعنی زمانی که می‌گوییم ایران قصد می‌شود، مثلاً در ایران دیگر اتباع خارجی نیست.



یعنی باید حواسمان باشد که اینها امت است، ولی جریان آن روی عنوانی که اینها را از هم متمایز می‌کند، می‌رود. پس بحث امت وقتی مطرح می‌شود باید بگوییم امت چی؟ که آن چی، عامل هم‌قصد کردن است. مثلاً اگر بگوییم امت انقلابی و بعد از آن دایره امت را انقلاب کنیم، خیلی یک دفعه وسیع می‌شود و همه افرادی را که در عالم طرفدار انقلاب و طرفدار امام خمینی رحمه‌الله‌علیه هستند را شامل می‌شود، یعنی می‌شود که با یک تغییر مرزهای آن تغییر کند. به همین دلیل در قرآن بحث امت کلمه‌ی خیلی پیچیده‌ای است. کسانی که در قرآن کار کرده‌اند می‌دانند. معمولاً یکی از واژه‌هایی که خیلی سخت است، واژه امت است و شما نمی‌دانید با این امت چه کار کنید؟ وقتی قرآن می‌خوانید و به آیه می‌رسید باید بروید تفسیر را بخوانید که امت را بخوانید تا بدانید چه می‌گوید؟ و چه چیزی است؟ چند جای قرآن مثل سوره هود، سوره آل عمران، سوره نحل، ... هر کدام آنها از یک مدلی است و جالبی آن این است که در هر سوره‌ای یک مدل است. یعنی مثلاً این گونه نیست که بگویید: من امت را فهمیدم!! در سوره بعدی چیز دیگری گفته شده است؛ نه اینکه فرق کند، امت چی هستند متفاوت است.

نکته مهم دوم به وجود آمدن دو واژه قوم و امت است. اینها را در قرآن پیش فرض بگیرید که قوم بیشتر به جمع برمی‌گردد. مثلاً شما ممکن است بگویید: می‌شود فارسی صحبت کنید عربی آن را بگویید ما بهتر بفهمیم؟ بله، اگر بخواهیم عربی بگوییم یکی از آن را قوم دیگری را امت می‌گوییم و اگر بخواهیم فارسی بگوییم یکی از آنها را جمع و دیگری را جامعه می‌گوییم. هر کدام که زودتر فهمیدید و به ذهنتان متبلور شد. من اینها را چرا می‌گویم؟ الان قصد شما این است که در قرآن بروید و تکلیف زندگی جامعه و جمع خود را از قرآن به دست بیاورید. پس بنابراین باید اصطلاحات اولیه برای شما مشخص باشد.

آنچه باید در مورد امت دانست

این قوم یا امت یا جمع یا جامعه چه مطالبی در قرآن دارد که ما باید بررسی کنیم؟ چه موضوعاتی دارد که خوب است ما راجع به آن بدانیم؟

- اولین چیزی که مهم است این است که چگونه تشکیل می‌شود و شکل گیری آن است. این شکل گیری ممکن است درست یا نادرست باشد. اگر نوع شکل گیری آن و قبل از شکل گیری خود هویت آن، هویت آن یعنی اینکه اگر این جمع است و آدم‌های مختلف دارد اگر بخواهیم یک آدم از این جمع بیرون بیاوریم نسبت آن با این جمع چگونه است؟ آیا با این جمع نسبت دارد یا بدون نسبت است؟ معلوم است که نسبت دارد بدون نسبت نیست، به همین دلیل شما در هر جمعی که می‌روید به نوعی به آن جمع رسمیت می‌دهید. مثلاً یک نفر مدرسه قرآن را قبول نداشته باشد و سر کلاس‌ها بیاید، همین که سر کلاس می‌آید یعنی به آن رسمیت می‌دهد و این‌طور نیست که بگوید: من آنها قبول ندارم اما

از کلاس آنها استفاده می‌کنم. این‌گونه نیست، حتماً توافقی بین آنها ایجاد شده است. خود این یک قدرتی پیدا می‌کند. آیا قدرتی که این جمع پیدا می‌کند معادل جمع آنها است؟ مثلاً ده عدد هستند، مثلاً قدرت یک به علاوه دو به علاوه سه به علاوه چهار به علاوه پنج یا نه؛ قدرت آنها چیزی فراتر از آن است که محو می‌شود که اینها بحث‌های مهمی است که اختلاف نظر هم هست. بعضی از افراد می‌گویند که اگر ده نفر هستید، قدرت آن جمع ده تا بشود. اما بعضی‌ها می‌گویند: نه این‌گونه نیست. ممکن است ده تا بشود صد تا، صد تا بشود هزار تا، یا نه ممکن است عکس شود. یعنی قدرت فرد بیشتر از جمع است. این موضوع به چه چیزهایی وابسته است؟ امروز در مورد بحثی صحبت می‌کنم که از وضعیت موجود دارم استفاده می‌کنم. یک سری مفاهیمی که اصلاً در ذهن شما نبود و نمی‌شد شکار کردن الان راحت می‌شود شکار کرد. دارم حسن استفاده را می‌برم و چیزی که در ذهن شما رخ داده است را استفاده می‌کنم که از اتفاقات رخ داده است. دو هفته دیگر همه آن فراموش می‌شود و یادتان می‌رود و خوب است اینها را بدانیم.

۲. ما راجع به جمع و جامعه چه چیزهایی را باید بدانیم؟ یکی از آنها هویت است. آیا جمع و جامعه یک هویت مستقلی از افراد دارد؟ یا همان هویت است که بروز پیدا می‌کند؟ که این خود، نکته مهمی است. استنادات را باید گفت.

سؤال: اگر در جمعی به اجبار حضور داشته باشیم، باز داریم به رسمیت می‌شناسیم؟

پاسخ: بستگی به نوع جمع و مقصد آن دارد. مثلاً شما شرکتی دارید و پول به دست می‌آورد و مقصد این شرکت درآمدزایی است و مقصدش توجه می‌شود. بستگی به آن هم افزایی و همکاری که دارد، اما آن شرکت برای تخریب یک مواد منفجره درست می‌کند، شما در آن دخیل هستید. بعضی از دوستان ما که دوست ما هستند که در شرکت‌هایی کار می‌کنند که برای کمپانی‌های غربی اسلحه درست می‌کنند و شما می‌گویید که شما دوست این‌گونه هم دارید؟ بله، ما دوست این شکلی هم داریم و خیلی این خطرناک است. چون آن جمع بر علیه جریان‌های درست می‌ایستد و شما نخود آن آش هستید که شمایی که نخود آن آش شدید، هر کسی آن آش را خورد نخود را هم می‌خورد. بحث هویت خیلی موضوع مهمی است که مفصل در تفکر اجتماعی در مورد آن صحبت کردیم. می‌شود به واسطه احیای هویت اجتماعی، قدرت انسان ده‌ها برابر شود. می‌تواند قدرت انسان ده‌ها برابر کاهش پیدا کند. من در جمع‌ها می‌گویم: شما را به خدا جمع نشوید!! هیچ‌کسی جمع نشود و یکی از کسانی هستیم که ضد جمع هستیم و می‌بینم اینها که تنها بودند قبلاً کاری انجام می‌دادند الان دیگر انجام نمی‌دهند.

دقیقه ۴۰ تا ۵۰

به بهانه هم افزایی، به بهانه جلسه، به بهانه فلان، به بهانه‌های مختلف اختلاف می‌کنند. همان یک کار را که قرار بود انجام بدهند دیگر انجام نمی‌شود.

ما باید به یک بلوغی برسیم که بتوانیم هویت اجتماعی خود را فعال کنیم. و الا شما وقتی در جامعه نگاه می کنید می بینید که باید یک سری اتفاقات در جامعه بیفتد، مثل اینکه مثلاً وضعیت فرهنگی جامعه اصلاح بشود. وضعیت فرهنگی جامعه را دولت ها نمی توانند درست کنند، جمع ها می توانند درست کنند. وضعیت اقتصادی جامعه را دولت ها نمی توانند اصلاح کنند، جمع ها می توانند اصلاح کنند. کار دولت فقط گرداندن و چرخاندن و بستر سازی که من اسم بحث را بستر سازی گذاشتم. بستر سازی خودش یکی از موضوعات مهم است. بستر سازی های مختلف، عرصه سازی ها است. پس یکی از آنها بحث هویت است که ما وقتی هویت جمعی را نتوانیم داشته باشیم نمی توانیم کارهای بزرگ را انجام بدهیم.

اغلب غصه هایی که می خورید بیهوده است. چه کسی آمد و چه کسی رفته است! آن چیزی که اصلاح ایجاد می کند تحقق جمع های خاص با اهداف خاص است که آنها نیست. مثلاً جمع هایی که بتواند در حوزه حجاب، در حوزه فرد، جامعه را به یک اغنائی برساند. ما جمع های امر به معروف و نهی از منکر داریم، ولی فردی کار می کنند، جمع نیست. هویت جمعی ندارد. هویت جمعی یعنی بتواند اختصاصاً تخصصاً بتواند کاری انجام دهد. در یک فضای وسیعی بازتابی داشته باشد.

سؤال: نامفهوم

پاسخ: در قرآن جامعه است. اصلاً کلاً فلسفه شهادت اباعبدالله حسین علیه السلام همین اهمیت جامعه بوده است.

یکی از مباحثی که در محرم و صفر به صورت تلویحی مطرح می شود این است که خداوند بهترین خلق خودش را و بهترین خلق های خودش را فدای اصلاح امت جدشان می کند. پس برای امت جد از خود شخص اباعبدالله حسین علیه السلام اهمیتش بیشتر می شود که برای اینها حضرت امام یک سری مباحثی در متن های خود دارند که به صورت جسته و گریخته مطرح می کنند.

سؤال: نامفهوم

پاسخ: بله، نظام؛ دولت نیست. وقتی می گوئیم نظام، دولت یک بخشی از آن است، بخش مهم آن هم هست، ولی بخش اثرگذاری که به صورت نقطه زن است جمع های آن است و ما اگر قدرت جمع سازی داشته باشیم و جمع های ما واقعاً جمع باشد، هر ده نفر معادل صد نفر باشد و هر صد نفر معادل دو هزار نفر باشد چنان که در سوره ال عمران می گوید و سوره انفال مطرح می کند، می توانیم یک قدرت عظیم داشته باشیم. الان این طوری نیستیم. قدرت جمع های ما تقریباً معادل یک دهم است. بستگی دارد تعداد جمع چقدر باشد. به شدت قدرت افراد کاسته می شود و این خیلی خطرناک است که به خاطر نشناختن بحث هویت است. ما در یک جمع چطور باید حاضر شویم، چجوری همدلی کنیم، چطور کار کنیم. برای من جالب بود داخل همین دوره انتخابات جمع هایی که تشکیل شد که به یک نفر چه از این طرف و چه از آن طرف رأی بدهند، نفر مشخص،

آدم‌هایی که باید رأی بدهند مشخص، هویت آدم‌ها تقریباً مشخص، کار مشخص، شیوه تقریباً مشخص، بعد هم به صورت شبکه‌ای، آن که اهرم بیشتر برای این جمع داشت و توانست افراد را به نحوی متقاعد و اغنا کند، که ممکن است اغنای مادی یا معنوی کرده باشد که خیلی راحت پیروز این برنامه شد. حتی می‌تواند برای آن برنامه ریزی کرده باشد که میزان پول تعیین کند، حتی می‌تواند نسبت اینکه چطور هزینه کند تعیین کند. پس، یکی از موضوعات، بحث هویت است. بعضی از جمع‌ها شکل می‌گیرند و از بین می‌روند. هویت‌های آنها باقی نیست. هویت بعضی‌ها پایدار است. هویت‌های بعضی‌ها به عنوانی شروع می‌شود و به عنوانی ختم می‌شود. مأموریتی است. بعضی‌ها دینی است. حالت‌های مختلف دارد. هویت‌های جمع‌های مختلف متفاوت است و براساس آن پایداری جمع‌ها مختلف است و بعد می‌آید سراغ چگونگی شکل‌گیری جمع که به چه صورت است

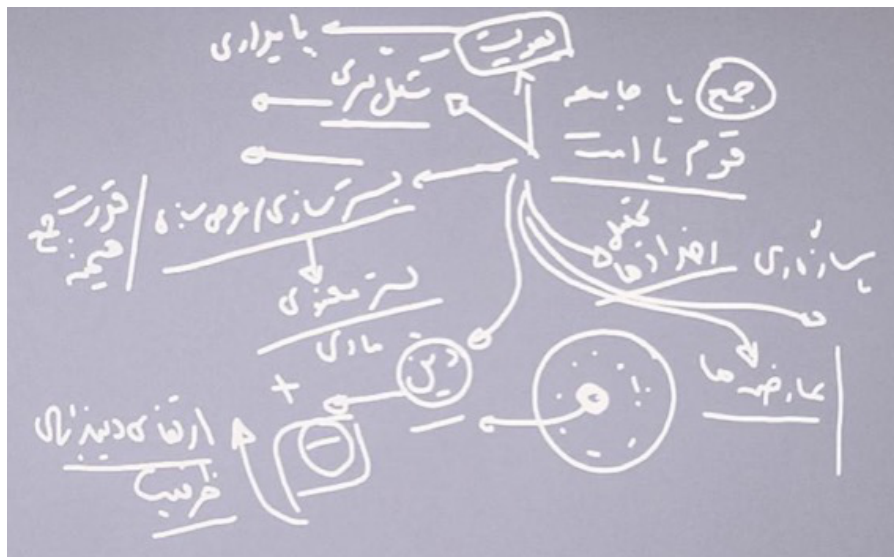
۳. و بعد موضوع بستر سازی جمع هست و بسترهایی که باید ایجاد کند؛ عرصه‌ها و در این عرصه سازی بحث قدرت جمع مطرح است، همیشه جمع مطرح است. هر چقدر که یک جمع بستر و عرصه بیشتری را اشغال کند قدرتش بیشتر می‌شود. هر چقدر که در بستر اختلاف کند، بستر یعنی آن محل اثر، بستر یعنی موقعیت آفرینی، اختلاف کند، تضعیف می‌شود. من در عین حال تحلیل هم می‌کنم، ولی به زبان خودم.

در بستر است که معمولاً اختلافات صورت می‌گیرد. در بستر است که نزاع صورت می‌گیرد. اینجا برای من، آنجا برای شما. این قوم برای من، آن قوم برای شما. تعداد قومیت را اضافه کردن، یعنی بستر زیاد کردن. تعداد قومیت را نتواند بگیرد، کنترل و اشغال کند. یعنی بستر از دست دادن. هر چقدر این بستر را معنوی‌تر کنند قدرت را بیشتر کرده‌اند. هر چقدر مادی‌تر باشد قدرت را کمتر کرده‌اند. ما بسترهای خود را تا حدی می‌توانیم معنوی کنیم. تا یک حد می‌توانیم. مثلاً ابا عبدالله الحسین علیه‌السلام همه دنیا را پوشانده است. قدرت ایشان به آن اندازه است. کشور پاکستان یا عراق بروید روی موضوع عزای ابا عبدالله الحسین علیه‌السلام یک وفاقی هست و قدرت جمع زیاد است. قدرت محرم و صفر به اندازه اشغال عرصه‌ها و وحدتی است که ایجاد می‌کند. ببینید چقدر محرم و صفر هنوز که هنوز همیشه دارد و هر روز بیشتر می‌شود. مساجد که نماز در آن خوانده می‌شود، فرقی نمی‌کند شیعه یا سنی باشد، همین که توحید خدا اقامه می‌شود، این بستر و قلمرویی دارد؛ قدرت دارد.

پس بعضی از بسترها معنوی و بعضی مادی است. بسترهایی مثل ریاست جمهوری بیشتر مادی است، البته معنوی هم می‌تواند باشد، اما بیشتر مادی است. فرد به خاطر این طرفداری می‌کند که شغل خود را از دست ندهد. به خاطر این طرفداری می‌کند که حزب خود را از دست ندهد. اینها انگیزه‌های مادی هستند. به همین دلیل اختلاف و نزاع در مسائل مادی زیاد است.

دقیقه ۵۰ تا ۶۰

هر جایی که در قرآن بیان شد که ای مردم نزاع نکنید، معمولاً مربوط به بسترها است. افراد در بسترها گیر افتاده‌اند. اینکه می‌گویند: **وَلَا تَنزَعُوا** **فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ**^۳، مربوط به بسترها است. یک نفر می‌گوید: این قلمرو من است و دیگری ادعا می‌کند قلمرو او است. یک نفر می‌گوید: انقلاب برای من است و دیگری ادعای مالکیت انقلاب را می‌کند. یک نفر می‌گوید: شما انقلابی نیستید و دیگری در مقابل خود را انقلابی می‌داند؛ برخلاف کاری که رهبری انجام می‌دهند. رهبری می‌فرمایند که فکر نکنید آن کسانی که رأی نداده‌اند ضد انقلاب هستند. ایشان قلمرو را وسیع می‌کنند و دیگران قلمرو را محدود می‌کنند: اینها که این جور هستند انقلابی هستند، قلمرو را تنگ می‌کنند. به عبارتی قدرت انقلاب را محدود می‌کنند. شما باید بگویید: پنجاه میلیون انقلابی. اگر بگویید که چهارده میلیون انقلابی، قلمرو را تنگ می‌کنید. از این اشتباهات نکنید. به نفع اسلام نیست. وقتی این القاء را می‌کنید، هر کسی که این‌گونه القاء کند و دشمن سوء استفاده کند، در سوء استفاده‌های دشمن که ممکن است قتل یا غارت باشد، در قیامت باید جوابگو باشد. جمع این‌طوری است. یک دفعه اسم آدم در زمره قاتلان عالم قرار می‌گیرد. چون یک موضع‌گیری کرده است که قلمرو جمع و جامعه را محدود و در نظر دشمن کم کرده است. هیمنه آن را کم کرده است.



بحث بسترها خیلی مهم است. مثال بسترها این است که، در مدرسه قرآن می‌گوییم که گروه‌های مختلف در مورد مسئله ازدواج و نسل توحیدی کار کنند. بستر سازی می‌کنیم. این یک مدل بستر سازی است. قلمروها را تخصصی می‌کنیم. با درست کردن عرصه، عرصه‌هایی را که کسی کار نمی‌کند مشخص می‌کنیم تا افرادی بیایند و عرصه کار را در دست بگیرند. می‌توان به تدریج وقتی تشکیل شد، بعد عرصه را باز کنیم که اگر نسل توحیدی گفت که من به کارهای غیر نسل توحیدی کاری ندارم و به آنها نیرو و امکانات نمی‌دهم، او بستر خود را تنگ و قدرت خود را محدود

^۳سوره مبارکه انفال، آیه ۴۶

می‌کند. می‌گویید: این قدر که شما اصرار دارید تخصصی کار کنید. می‌گوییم: خیر، منظورم این است که این را با آن پیوند یکی کنید و نیروهای خود را رد و بدل کنید و با آن فهم قرآن یکی کنید. در مجموع یک مدرسه قرآن به وجود می‌آید. در نتیجه مربیان در همه گروه‌ها کارآموده می‌شوند و همه یکپارچه می‌شوند و تبدیل به قدرت می‌شود. ولی غیر از این باشد ظاهر آن این است که دارید بسترها را حد می‌زنید و قوی‌تر می‌کنید، ولی در باطن جمع خود را محدودتر می‌کنید. قواعد بسترسازی در قرآن چیست؟ این بسترسازی یک داستانی دارد. امروز طرح موضوع می‌کنم، نمی‌خواهم بحث کنم. می‌خواهم دامنه و وسعت آن را بیان کنم.

۴. موضوع بعد، در این جمع و جامعه موضوع دین است، طبق سوره مبارکه کافرون:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ ﴿١﴾ لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ ﴿٢﴾ وَلَا أَنْتُمْ عِبَادُونَ مَا أَعْبُدُ ﴿٣﴾ وَلَا أَنَا عَابِدٌ مَا عَبَدْتُمْ ﴿٤﴾ وَلَا أَنْتُمْ عِبَادُونَ مَا أَعْبُدُ ﴿٥﴾ لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ ﴿٦﴾

هیچ جامعه‌ای نیست، مگر اینکه یک دینی دارد. دین عضو لاینفک هر جمع و جامعه‌ای است. مثل فرهنگی است که در آن تنفس می‌کنند. اگر کسی بگوید که دین ندارم، لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ ﴿٦﴾.

پس، بحث دین موضوع مهمی می‌شود که این دین باید درست باشد و از دین‌های منفی گریز پیدا کند. آلودگی‌های دین منفی در آن نیاید. مثلاً از جامعه وارد جمع شوید. دین ما چیست؟ شاید می‌خواهید بگویید که اسلام است؟. دین جامعه اسلام نیست، برآیند دین جامعه یک دین هرهری مذهب و هر کی هر کی است. ممکن است در یک جمعی اسلام و تشیع باشد. دینی که در آن دروغ گفته شود و خیانت باشد و هر کسی هر کاری خواست انجام بدهد که دین نیست. این دین منفی دین جامعه می‌شود، بعد می‌بینید که برآیند جامعه بی دینی می‌شود. نه، دین است، ولی دین خدا نیست. می‌گویید که همه نماز می‌خوانند و مراعات همدیگر را می‌کنند، وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ دَارند؛ نه، ممکن است جمع‌های درون آن این‌گونه باشند، ولی جامعه این‌طوری نباشد. به همین دلیل ممکن است در یک جامعه‌ای جاهلیت برگردد. مثل زمان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، در زمان امیرالمؤمنین علیه‌السلام جامعه به جامعه جاهلیت برگشت و دین جامعه، دین جاهلی شد.

همین روایت شریف که هر کسی امام زمان خود را نشناسد به دین جاهلیت مرده است مربوط به بعد از غدیر و بعد از رحلت پیامبر گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است. یعنی جامعه به جامعه بی دین تبدیل شد. جامعه می‌تواند به سمت دینداری یا بی‌دینی یا ارتداد و یا هر شکل دیگری حرکت کند که خیلی خطرناک می‌شود. حالا ما که جزء این جامعه هستیم چه کار باید بکنیم؟ این حالت اضطراری که گریبان مردم را می‌گیرد

که ما باید یک کاری کنیم که جامعه به سمت مثبت حرکت کند پس باید قیام کنیم، یعنی باید جمع‌های خالص درست شوند و قیام کنند که به این ارتقاء دینداری می‌گویند. ما باید ظرفیت دینداری خود را زیاد کنیم. پس مسئله مهم در جمع و جامعه بحث دین و ارتقاء دینداری است.

سؤال: نامفهوم

پاسخ: مثل این است که شما می‌دانید که یک چیزی معیوب است و باید آن را اصلاح کرد.

دقیقه ۶۰ تا ۷۰

سؤال: نامفهوم

پاسخ: یعنی باید به سمت اصلاح آن حرکت کرد. حالا می‌گویند قیام کنید، مثل حضرت ابراهیم علیه‌السلام که قیام کرد، مثل حضرت موسی علیه‌السلام که قیام کرد، مثل پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم که در مکه قیام کرد، مثل خود ابا عبدالله علیه‌السلام که قیام کرد. شما باید بروید قیام کنید. حالا ممکن است به نتیجه برسید، یک نفر علی‌الظاهر ممکن است نرسد. آن دیگر **إِحْدَى الْحُسَيْنَيْنِ** است، به ما ربطی ندارد که بخواهیم بگوییم که می‌شود یا نمی‌شود. ولی ما باید به این سمت حرکت کنیم. چون ما نمی‌توانیم بگوییم که ما در یک جامعه‌ای هستیم که نقد رایج آن دروغ است، نقد رایج آن خیانت است، بعد هم خیانت در ابعاد مختلف خانوادگی، شغلی، جاهای مختلفی که وجود دارد، فقط هم در یک جایی منحصر نیست، اصلاً طبع خیانت در نوع افراد وجود دارد. اینها چیزهای خوبی نیست.

پس یکی از موضوعات دین است.

۵. یکی دیگر از موضوعاتی که اینجا است بحث رخدادهای است، تحلیل رخدادهای است. اصلاً یک رخداد اجتماعی در جامعه اتفاق می‌افتد آن را چطور باید تحلیل کرد؟ آیا تحلیل‌های در جمع و جامعه مثل تحلیل‌های فردی است؟ معمولاً تحلیل‌های جمعی و جامعه‌ای ما فردی است. یعنی همان تحلیل‌های فردی را به شکل اجتماعی می‌کنیم. در صورتی که رخدادهای اجتماعی برای خودشان شاخص دارند. معمولاً نظرات ما با نظرات ولی ما متفاوت است. چرا؟ چون او رخداد را براساس قرآن تحلیل می‌کند، ما براساس فردیت خود تحلیل می‌کنیم و این خیلی خطرناک است. به تدریج که آدم پیش می‌رود... شما نگاه کنید، اغلب افراد گویی در جامعه خودشان معیار حق هستند و حق با آنها مقایسه می‌شود و هر کس غیر از این باشد ناحق است. از خود من گرفته تا یعنی حق بودن یا ناحق بودن رخدادهای به نسبت افراد است به نسبت ولی جامعه نیست، در صورتی که به نسبت ولی جامعه در نظر گرفته می‌شود. شما می‌گویید: خیر، اتفاقاً ما به نسبت ولی جامعه می‌گیریم. بعضی‌ها نزدیک می‌شوند، بعضی‌ها دور می‌شوند. باید دلیل داشته باشیم، باید حرف شما مشابه او باشد، ما معمولاً می‌گوییم که رهبری دارد از سر مصلحت

حرف می‌زند. به همین دلیل نظر ایشان با ما متفاوت است. جالب است! شما از کجا فهمیدید مصلحت است؟ خیلی از بزرگوارانی که در این دو سه هفته حرف زدند، اصلاً یک‌جوری حرف زدند مثل اینکه اینها میزان هدایت جامعه هستند و یک کسی از این میزان کنار بزند، مثل این است که از دین کنار است. شما به چه مجوزی این‌طوری گفتید؟ دلیل شما چیست؟ من دارم یک طرح بحث اساسی می‌کنم که خیلی از ورودگاه‌های به این موضوعاتی که شما با آن مواجه بودید، ورودگاه آن اشتباه است، اصلاً نوع نگاه آن، نوع مدخل آن اشتباه است. شما کمی بیرون بیایید، داستان را جور دیگری نگاه می‌کنید. اینجور نیست که احساس کنید شانزده میلیون ضد انقلاب وجود دارد. شانزده میلیون طرفدار فلان. اصلاً عدد و رقم‌هایی که شما در ذهنتان می‌آوردید اگر یک موقعی به این عدد و رقم‌ها فکر کنید که مرتب فکر می‌کنید، اگر کسی از غصه دق کرد نباید او را سرزنش کرد. برای چه این‌جوری فکر می‌کنید؟ چه کسی گفته است این‌جوری فکر کنید؟ چرا این‌قدر این موضوع را این‌طوری نگاه می‌کنید؟ در صورتی که ولیّ شما این‌طوری نگاه نمی‌کند. با او باید مقایسه کنید. آنها را در نظام خودش می‌آورد. یک دینی به آنها می‌دهد، دین عام‌تری را به آنها می‌دهد. می‌گوید که این ظرفیت دینداری او باید تغییر کند. قبل انتخابات حضرت آقا یک سخنرانی جالبی کردند که برای خود روز غدیر بود. فرمودند که مردم ما، حتی آنهایی که ظاهراً هم مقید نیستند، دیندار هستند، یک دینی دارند و نسبت به بقیه دنیا خیلی وضعشان بهتر است. این باید الگوی شما باشد، نه آن چیزی که در ذهنتان است. اگر بخواهید با این روش بروید که کسی برای شما نمی‌ماند. خود انقلابیون هم مرتب تجزیه می‌شوند. یعنی میل به تجزیه، میل به تجزیه است؛ حتی در خود افراد. یعنی کسی که میل به تجزیه داشته باشد، بلافاصله در جمع خودش هم که نشسته است می‌گوید: تو برو آن آن طرف، تو برو این طرف. اصلاً پنج نفر هم که باشند خودشان را هم تجزیه می‌کنند. چه برسد به اینکه بخواهند تبدیل بشوند به هشتاد میلیون نفر. این تحلیل رخدادها میزان می‌خواهد.

۶. قسمت بعدی عارضه‌ها؛ خیلی این مهم است. بیماری‌هایی که جمع به خودش می‌گیرد. شما همان‌طور که عارضه‌های فردی دارید، عارضه‌های اجتماعی هم دارید، عارضه‌های جمعی هم دارید. این عارضه‌های جمعی مثل طیب است. اگر یک نفر مثلاً فرض بگیرد بیمار شد، او را دکتر می‌برید و برای او چاره می‌کنید. ما باید برای عارضه‌های اجتماعی فکر چاره بکنیم، فکر دارو بکنیم، فکر درمان بکنیم. ممکن است یک بخش مهمی از درمان این موضوع عارضه‌ها مثلاً در مباحث هنر باشد. یعنی یک مرتبه موضوعاتی مثل هنر در درمان عارضه‌ها نقش اصلی داشته باشد. هر چیزی که خود آن درمان است، اگر درست به آن نگاه نشود، خود آن آسیب می‌شود. مثلاً یکی از درمان‌ها رسانه است و خودش هم عارضه است. یکی از درمان‌ها هنر است و خودش هم عارضه است. یعنی خود آن تولیدکننده عارضه است. یعنی قاعده‌های درمان و قاعده‌های سلامت خیلی شبیه هم هستند.

۷. یک موضوع دیگر هم بگویم یک هویت و شکل گیری و بستر و دین و عارضه و ناسازگاری، ناسازگاری یا سازگاری، چون جامعه، جمع از جمع‌های مختلف است. این جمع‌های مختلف برای جامعه با هم جمع نمی‌شوند. اسم آن را ناسازگاری می‌گویند. تجزیه جامعه به جمع‌ها را ناسازگاری می‌گویند. همین اتفاقی که الان برای ما افتاده است. جامعه به جمع‌ها تجزیه می‌شود. الان اگر یک نفر همین‌جا بگوید که من به آن رقیب رأی دادم، همه او را نگاه می‌کنند که چرا اینجا نشستی؟ پس چرا اینجا هستی؟ این جامعه دارد تجزیه می‌شود. هر چه به سمت وحدت برود، مثل این است که در جمع شما دارید قرآن می‌خوانید یک نفر مسیحی هم نشسته باشد. می‌گوید: آمدم ببینم قرآن چه می‌گوید. بعد یک آدمی است که اهل مطالعه است، یک اهل تسنن هم نشسته باشد، یعنی دارد آن را می‌بلعد. اصلاً یکی از معانی صراط بلع است؛ می‌بلعد.

دقیقه ۷۰ تا ۸۰

جامعه باید مسیر حق آن طوری باشد که آدم‌ها را در خودش ببلعد. یعنی بگوید: اگر مسیحی هستی بیا بنشین بین چه می‌گوییم. خدا نکند یک نفر در این جمع بخواهد بی‌حجاب باشد. مثلاً بیاید و بنشیند و ببیند اسلام راجع به حجاب چه می‌گوید. این خیلی مهم است. اصلاً پذیرش وجود ندارد. در صورتی که آن شخص آمده است چه بسا با این نشست و برخاست ده نفر دیگر از دوستانش را برود و با حجاب کند و بیاید. بگذارید بیاید و بشنود. شما ممکن است بگویید: بعداً به ما برچسب می‌زنند. بله، ممکن است این اتفاق بیفتد.

■ نکته سوم هم این شد که ما در حوزه جمع یا جامعه یک‌سری مباحثی در قرآن داریم که می‌توانیم از قرآن راجع به آنها مطالب را مطالعه کنیم. من یک تعدادی از آن را گفتم. آن تعدادی که فعلاً در مورد آن کار کردیم را گفتم. والا دو برابر، سه برابر این موضوعات مطلب هست. ما برای همه اینها یک کتاب نوشتیم. آنهایی که برایشان جذاب شد برای خودشان زمان‌بندی کنند، بخوانند. خیلی هم جذاب است. اما وقتی در جمع‌ها مطرح می‌شود فهم آن یک قدری راحت‌تر است. حرف من این است که ما در بهترین شرایط دنیا داریم زندگی می‌کنیم؛ در آزادی کامل و در بهترین شرایط اقلیمی و شرایط هم‌جواری. ذهن‌های خود را اگر درست کنیم به خیر اُمّیه که در سوره آل عمران مطرح می‌کند، به بهترین امت برای دعوت به خیر تبدیل می‌شویم. دعوت به خیر یعنی اینکه ما بتوانیم از طریق این الگوی جمع‌سازی خود جمع‌های مختلف دنیا را به آن بچسبانیم. شما وقتی جمع می‌شوید می‌توانید بردارید. یک جمع قرآنی درست کنید بعد با اروپا ارتباط داشته باشید، با آمریکا ارتباط داشته باشید، با آسیا کشورهای مختلف، ارتباط داشته باشید. بعد می‌توانید به تدریج مرزها را از وضع کشور به وضع موضوع انتقال بدهید. می‌دانید چه کار بزرگی است؟ همین چیزی که می‌گویند دهکده جهانی. عین آن را می‌توانید در حوزه تمدن دینی انجام بدهید؛ اما یک تمدن واقعی. یعنی مثلاً آدم‌هایی که قرآن می‌خوانند اهل عمل هستند. شما فکر کنید ده میلیون در کل دنیا چنین جمعی وجود داشته باشد.

چه تحولی در کل دنیا ایجاد می‌کند؛ نه صوری. معمولاً جمع‌های ما به سمت جمع‌های صوری گرفتار می‌شود. پس نکته سوم این است.

ما یکی از این بحث‌ها را ان‌شاءالله در جلسات بعدی مطرح می‌کنیم.

سؤال: نامفهوم

پاسخ: بیشتر ذهن من روی ارتقاء ظرفیت دینداری است. یعنی خودم آن چیزی که انتخاب کردم، هر چند آن بحث هویت خیلی جالب است، ولی بحث هویت در عین حال که خیلی ساده است یک کم پیچیده می‌شود. ممکن است افراد مباحث را نباشند.

بحث ارتقاء ظرفیت دینداری در جامعه یکی از موضوعاتی است که همه الان گرفتار آن هستیم. به نوعی ظرفیت دینداری را ما داریم تنگ می‌کنیم، داریم جهت عکس حرکت می‌کنیم. حداقل یک عده‌ای بفهمند که جهت عکس باید حرکت بکنند. گروه‌های مختلف راه بیندازند، در مدارس در کشور با آموزش قرآن با محوریت قرآن آن دینداری مورد نظر خدا را تکثیر کنند. یک کار عملیاتی انجام دهند؛ فقط حرف نباشد. به نظرم اگر موافق باشید بحث را روی این موضوع ببریم. سوره آن هم سوره مبارکه مائده می‌شود و شاید هم به برکت سوره مبارکه مائده یک مائده‌ای هم... البته الحمدلله دهه‌های محرم همه مائده‌ها از آسمان می‌آید و اساساً اباعبدالله^{علیه‌السلام} چیزی جز مائده نیست. اصلاً رزق عاشورای او شب عاشورای او، دانه دانه برنج‌هایی که پخته می‌شود مائده‌های آسمانی هستند.

الان در لابلای حرف‌های من خیلی چیزها دست شما آمد. ما باید نوع نگاه خود را نسبت به جامعه دینی تغییر دهیم. یک مقداری آن را وسیع‌تر کنیم. نوع نگاه خود را به آدم‌های اطرافمان تغییر دهیم. باید طبق آن چیزی که قرآن می‌خواهد انجام دهیم. سوره مائده با چه شروع شده است؟ **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا**، وقتی این سوره را می‌خوانید می‌فهمید **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا** آن یا **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا** اهل کتاب و غیر اهل کتاب و همه مؤمنانی است که به نوعی ایمان دارند. یعنی خود سوره دایره را وسیع گرفته است. قلمرو را تغییر داده است. گفته است که من روی این هشت میلیارد، نه میلیارد، ده میلیارد، هر تعدادی که هستند یک تعدادی هستند، ایمان فطری دارند.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ، یک سری دین دارند بودایی هستند.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ، یک عده ای هستند مسیحی هستند. **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ**، یک سری هستند معلوم نیست. یک دینی دارند، ولی ایمان دارند. یک وجهی از **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا** در کل دنیا درست می‌کند، همه را به نحوی **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا** می‌کند. حالا که به نحوی **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا** شدند، حالا می‌شود به آنها گفت: **أَوْفُوا بِالْعُقُودِ**. تا آدم را مومن نکنید نمی‌توانید بگویید: **أَوْفُوا بِالْعُقُودِ**، حواستان باشد. شما باید اول او را مومن کنید. بعد بگویید: **أَوْفُوا بِالْعُقُودِ**.

این بی حجاب را اول باید مسلمان کنید، بعد بگویید: چادر سر کنید. روسری سر کنید. وقتی او احساس بی دینی دارد، به چیزی التزام ندارد. شما باید وجه التزام را بیاورید. بعد التزام را بیاورید. این سوره مائده می شود. سوره مائده یعنی ظرفیت دینداری. اول باید بستر دین را در خودش فراهم کنید. شما باید وسعت پیدا کنید. وسعت پیدا کردید نباید جامعه را به شکل دو قطبی یا چند قطبی ببینید. هر کسی که در جامعه ایرانی دارد زندگی می کند به نحوی مؤمن است. مگر اینکه می توانسته است برود، نتوانسته است برود. به نوعی مرتد شده است. که معمولاً کم هستند.

دقیقه ۸۰ تا ۹۰

حداقل به پست شما نمی خورد، خیلی کم هستند. اگر هم بخورند ادای آن را در می آورند. یعنی دارند ظاهر سازی می کنند. حتی آن کسی که دارد می گوید: من مرتد شدم. تا آنجایی که می شود شما باید بگویید ادای آن را در می آورد. دارد فیلم بازی می کند. نه اینکه یک نفر گفت: من پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم را قبول ندارم، مچ دستش را بگیرد ببرید عدلیه بگویید این می گوید که پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم را قبول ندارد. باید بگویید که این فرد حرف های ناخوبی زد. می شد همان موقع خیلی کار کرد. یک موقعی شما می گوید که یک وجه درست می کنید. سعی می کنید که آن را بیرون نیندازید. شما می گوید: این طوری امر به معروف و نهی از منکر اصلاً اتفاق نمی افتد. من می گویم: نه اصلاً امر به معروف و نهی از منکر همین است که شما بیاید معروف سازی بکنید. شما بیاید ایمان را معروف سازی بکنید. دایره ایمان را وسیع بگیرید. یک ایمان فطری داریم. شما هم مؤمن هستید، ولی **أَوْفُوا بِالْعُقُودِ**، وقتی آدم ها مؤمن شدند وفای به عهد کردند کم کم می گویند عقد چیست. **عُقُودِ** چیست؟ عقد این است که این کار را بکنید. وفا می کنید. بعد به تدریج به اسلام و شیعه می رسد. چون هر جا می خواهد **أَوْفُوا بِالْعُقُودِ** بکنند، به آن جنبه درست آن می رسد. دشمن می آید عکس این عمل می کند. می گوید: شما که اصلاً مؤمن نیستید. به شما که نگفتند، به مؤمنین گفتند. در همان سوره می گوید: ای کسانی که ایمان آوردید، وضو بگیرید. اگر آب نداشتید، تیمم بکنید. نماز بخوانید، طهارت برای شما است. شما باید یک کاری بکنید که آن شخص احساس کند که نیاز به طهارت دارد. باید پاک شود. نیاز به یک چیزی دارد به نام آب. یک چیزی نیاز دارد به نام وضو. یک چیزی نیاز دارد به نام غسل. احتیاج دارد. اول می گوید: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا**، بعد می گوید: برو غسل کن. شما می گوید: اینها اصلاً لاک زدند. اینها کجا مؤمن هستند؟ آیه هم همین را می گوید. می گوید: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا**، فلان کار را بکنید. او را مؤمن حساب کرده است که لاک دارد. گفته که وضو خیلی خوب است. حالا می خواهد وضو بگیرد. احکام وضو مثلاً این طوری است. اول باید ایمان را در او زنده بکنید. او را مؤمن بکنید. بعد بیاید اینجا. شما می گوید: احتمالاً شما به این آدم های لیبرال معاشرت داشتید، قبلاً خیلی تنگ نظرانه داشتید. من هیچ وقت خدا را شکر این طوری نبودم.

سؤال: نامفهوم

پاسخ: وقتی **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا** را وسیع می‌گیرید، قلمرو ایمان را وسیع می‌گیرید. وقتی آن را خاص می‌کنید فقط آیت الله بهجت و حوزه علمیه و این کسان باشند اینها خاص می‌شوند. یک تعداد خاص می‌شوند. **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا** هر چقدر وسیع‌تر شود قلمرو شما بیشتر می‌شود، قدرت شما بیشتر می‌شود. قدرت کلام شما هم بیشتر می‌شود. وحدت شما هم بیشتر می‌شود.

سؤال: نامفهوم

پاسخ: عرصه‌ها را باید به صورت تصنعی تخصصی بکنید که یک عده‌ای متخصص شوند؛ به تدریج افراد باید باز شوند.

الان مشکل ما سر این است که افراد یک گوشه‌ای می‌روند کز می‌کنند بعد هیچ کار دیگری هم نمی‌کنند. باید قدرت داشته باشد. شما وقتی به روستایی می‌روید همه کار باید بلد باشید تا آن روستا را آباد کنید. اما اگر بگویید: من روی کودک سن دو تا چهار کار کردم. بعد مثلاً بروید در آن روستا سه تا دو تا چهارساله دارد، اینکه... نمی‌توانید عمومی کار کنید. شما می‌گویید: ما بالاخره باید تخصصی کار کنیم یا عمومی؟ می‌گوییم: تخصصی. ولی قلمرو خود را باید وسیع کنید. بعد راه‌های باز کردن قلمرو وسیع را باید بدانید. هر کدام از اینها در خودش بحث دارد. حرف من این است. الان شما در هویت، شکل‌گیری، بسترسازی، ارتقاء دین، تحلیل رخداد، ناسازگاری، عارضه، ده‌ها سؤال همین الان به ذهن شما آمده است و برای شما جذاب است که جواب آنها را بدانید. یکی یکی باید راجع به آن بحث کنید. الحمدلله، شما فکر کنید یک دوره‌ای برای خودتان بگذارید اینها را پیدا کنید تا آخر سفر بروید.

من خیلی امیدوار هستم به فضل و عنایت خدا و اعتقاد دارم که خداوند ما را در یک موقعیت استثنائی در عالم قرار داده است و هر چقدر شما این مباحث را علمی کار می‌کنید رحمت خدا بر جامعه نزول پیدا می‌کند. هر چند دویست نفر، سیصد نفر، هزار نفر مستمع داشته باشد. علت آن این است که ساحت علم آن قدر برای خداوند شریف و عزیز است که به اندازه هزاران هزار برابر بلا را دفع می‌کند. یعنی در طبع آن شأن مجالس علمی از هر تشکیل مجلس ذکری و حرزی و دعایی بالاتر است. چون باعث می‌شود دین خدا فهمیده شود و در اثر این فهم یک سری افرادی که مستعد هستند اینها را بیابند بگیرند و به شدت این حرف‌ها گسترش پیدا می‌کند و بیداری ایجاد می‌شود. خداوند دین خود را به وسیله بیداری محقق می‌کند؛ نه به زور. اگر می‌خواست به زور متوسل شود هزار و چهارصد سال پیش دین خود را حاکم می‌کرد. او خواسته است که مردم بپذیرند. ما باید سهم داشته باشیم. هرچقدر مباحث عمیق‌تر و دقیق‌تر و علمی‌تر و به روزتر و کاربردی‌تر باشد، به نحوی که آدم‌ها بتوانند جایگاه خودشان را تشخیص بدهند، قدرت تکثیر آن و قدرت جمع‌سازی و کادرسازی آن قوی‌تر می‌شود.

ما امیدوار هستیم که خود این سوره نازل شوند و کمبودهای ما را جبران کنند. پس اگر موافق بودید جلسه دوم که فردا هست را می‌گذاریم.

همین طور یکی یکی تمدید می کنیم. موضوع ما روی بحث ارتقاء دینداری است. دوستان می گویند که ما در این شرایط فعلی چه کار کنیم؟ شما کاری نمی توانید بکنید. شما باید سوره مائده را بخوانید، بعد هم ظرفیت دینداری جامعه را ارتقاء بدهید. می گویند: ظرفیت دینداری جامعه را چگونه می توان ارتقاء داد؟ می گوئیم: در سوره مائده دستورهایی آورده است که این ظرفیت از اول تا آخر ظرفیت دینداری می آورد.

دقیقه ۹۰ تا آخر

شما باید برای اینکه ظرفیت دینداری جامعه را ارتقاء بدهید باید ظرفیت دینداری خودتان را ارتقاء دهید. دید خودتان را درست کنید. خودتان را وسیع کنید. این کار را کردید؟ بسم الله. توقع داشته باشید ظرفیت ارتقاء دیگران را زیاد کنید. چه کار می کنیم؟ فردا می گوئیم. سوره را می خوانیم و بحث های مختلف می کنیم. براساس کتاب هم می رویم.

تقریب به پیمان منظر

در استفاده از متن جلسات لطفا به موارد زیر توجه شود :

- فایل پیاده جلسات صرفا جهت مطالعه و مرور مطالب بیان شده در جلسات می باشد و نمی تواند به عنوان "منبع علمی" مورد استناد قرار گیرد. (احتمال تغییر محدود مطالب بیان شده در جلسات وجود دارد).
- لطفا از هرگونه "تقطیع" متن جلسات جهت تهیه متن نوشته و ... به دلیل نارسایی در انتقال درست مضامین، خودداری شود.
- فایل متن جلسات "صرفا" برای اعضای کانال می باشد و امکان نشر آن در سایر بسترها نیست.
- پیشنهاد میشود در مواردی که متن جلسه گویا نیست با توجه به زمان درج شده به صوت جلسه رجوع شود.
- شیوه پیاده سازی جلسات انطباق کامل متن با صوت می باشد. لذا در صورت مشاهده هرگونه مغایرت، لطفا به شناسه @sm_nouri اطلاع فرمایید.

جهت تداوم نشر عمومی متن جلسات و بهره مندی از منافع آن، تعهد جمعی به موارد فوق را خواستاریم.

سپاس از همراهی تان